



Investigating the concept of justice and how to realize it in Mulla Sadra's point of view, relying on the role of wisdom in education

khadije Bozorgi | Saeed Beheshti² | Ahmad Salahshoori³ | Shirin Rashidi⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.61.4.0

Vol. 31
Winter 2024
P.P: 83- 108

Research Paper

Received:17 July 2022
Accepted:19 December 2023
Revised:19 October 2023
Published :22 October 2023

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

The research was carried out with the aim of investigating how to realize justice according to Mulla Sadra's point of view. To achieve the goal of the research, Mullah Sadra's works as a society and cases in Mullah Sadra's works in relation to the objectives of the research were examined through purposeful sampling as a sample. The approach used in the research is fundamental and qualitative. Conceptual and inferential content analysis method was used in the research. In order to analyze data, integrated content analysis method (inductive-comparative) was used. The obtained results show that the concept of justice in Mulla Sadra's view is a continuous, continuous and questionable movement until the soul receives what it has the competence and talent for and manifests the divine attributes. The true talent of man is to become God-like, and in order for man to be on the path of becoming God-like, his training in the four areas of his relationship with God, himself, people, and being in the direction of becoming God-like, as well as responding to the basic needs of humans in the direction of realizing justice It is important in society. Mulla Sadra believes that wisdom characterizes a person as justice, with justice in existential dimensions, a person is characterized as wisdom, and a wise person is just and establishes justice in society.

Keywords: Mullah Sadra's view; justice; wisdom.

Graduated from the doctoral level, Department of Philosophy of Islamic Education, Self-Governing.1
. Postgraduate Education Campus, Allameh University
Corresponding author: Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and.2
Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: Beheshti@atu.ac.ir
Associate Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and Educational.3
Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
Assistant Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and Educational.4
Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Cite this Paper: Bozorgi, kh & Beheshti, B, & Salahshoori, A, & Rashidi, SH. (2024). T Investigating the concept of justice and how to realize it in Mulla Sadra's point of view, relying on the role of wisdom in education. Research in Islamic Education issues, 31(61), 83-108

Publisher: Imam Hussein University
© Authors
This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)





بررسی مفهوم عدالت و چگونگی تحقق آن در دیدگاه ملا صدرا با تکیه بر نقش حکمت در آموزش

خدیدجه بزرگی^۱ | سعید یهشتی^۲ | احمد سلحشوری^۳ | شیرین رشیدی^۴

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.61.4.0

شماره
۶۱

سال سی یکم
زمستان ۱۴۰۲
صص: ۱۰۸ - ۸۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

پژوهش با هدف بررسی مفهوم عدالت و چگونگی تحقق آن در دیدگاه ملا صدرا با تکیه بر نقش حکمت در آموزش صورت گرفت. برای دستیابی به هدف پژوهش، آثار ملا صدرا به عنوان جامعه و مواردی در آثار ملا صدرا در ارتباط با اهداف پژوهش از طریق نمونه گیری هدفمند به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد بکار گرفته شده در پژوهش بنیادی و کیفی است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است و تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوای (استقرائی- قیاسی) استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می دهد که مفهوم عدالت در دیدگاه ملا صدرا عبارت است از حرکتی مستمر، پیوسته و مشکک تا نفس، آنچه که صلاحیت و استعدادش را دارد، دریافت نمایندو تجلی صفات الهی گردد. ملا صدرا معتقد است، حکمت انسان را متصف به عدل می کند. با عدالت در ابعاد وجودی، انسان متصف به حکمت می شود و فرد حکیم عادل است و عدالت را در جامعه برپا می کند؛ از طرفی استعداد حقیقی انسان خداگونه شدن است و زمانی که استعداد او به فعلیت برسد یا در مسیر خداگونه شدن قرار بگیرد، عدالت تحقق پیدا می کند. برای اینکه انسان در مسیر خدا گونه شدن قرار بگیرد، آموزش او در ساحت های چهارگانه در ارتباط با خدا، خود، مردم و هستی در جهت خدا گونه شدن و همینطور پاسخ به نیاز های اساسی انسان باعث می شود تعادل در ابعاد وجودی او برقرار شود و فرد عادل متصف به حکمت می گردد که این امر در راستای تحقق عدالت در جامعه اهمیت دارد.

کلیدواژه ها: عدالت، حکمت، ملا صدرا، آموزش.

۱. دانش آموخته مقطع دکتری، رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پردیس تحصیلات تکمیلی خود گردان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: Beheshti@atu.ac.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبائی است.

استناد: تجملیان، حمیده و باقری، خسرو و افشانی، سیدعلیرضا و وزیری، سعید (۱۴۰۲). ابعاد خردمندی از دیدگاه قرآن کریم و اصول

تربیتی منبج از آن. **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، ۳۹(۶۱)، ۱۰۸-۸۳. DOR: <https://20.1001.1.22516972.1402.31.61.4.0>

نویسندگان © (dori.net/dor) ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

عدالت مفهومی است که از آغاز تمدن مورد توجه بشر بوده است و آرمان مطلوب همه جوامع بوده است و برای استقرار آن کوشیده‌اند، به همین منظور از دیرباز تاکنون مفهوم عدالت، موضوع بحث اندیشمندان در علوم مختلف بوده است. این آرمان بشری به اندازه‌ای در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها دارای اهمیت بوده است که به عنوان یکی از مباحث اصلی فلسفه‌های سیاسی در دوران قدیم و جدید قرار گرفته است. با وجودی که تلاش برای تعریف عدالت از زمان یونان باستان مطرح گردیده است، اما بحث درباره مفهوم عدالت همچنان با مسائلی روبرو است، همچنان نظرات متعدد و متفاوتی درباره عدالت وجود دارد؛ تک بعدی نگری در دیدگاه‌های مذکور و در عین حال نسبی بودن یا وابسته به شرایط بودن برخی دیدگاهها، ضرورت وجود نظریه جهان شمولی درباره عدالت را مطرح می‌سازد. در واقع از دیرباز موضوع عدالت دغدغه بسیاری از اندیشمندان بوده و به دنبال این دغدغه پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است و امروزه منابع علمی زیاد و نظریات متعددی راجع به عدالت وجود دارد، با این وجود عملی شدن نظریات و اجرای عدالت در جوامع، همچنان با مشکل روبرو است؛ چرا که امروزه در سطح جهان، جنگ، خشونت، عدم فرصت‌های برابر آموزشی و وجود دانش آموزان محروم از تحصیل، فقر، بیکاری، نارضایتی شغلی، افزایش میزان طلاق و..... جهان را فراگرفته است. صرف نظر از اینکه دلایل بسیاری می‌تواند مسبب این رخدادها باشد، می‌توان یکی از دلایل این رخدادها را به نبود عدالت در جوامع نسبت داد. در هر جامعه‌ای که عدالت وجود داشته باشد، در آن جامعه شکوفایی استعدادها و توانایی‌های بالقوه افراد به صورت وافر دیده می‌شود و این امر به عهده آموزش و پرورش است. «در امر آموزش، نظام آموزش و پرورش از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین سیستم‌های درون هر جامعه‌ای است که سرنوشت آن جامعه رادر بلند مدت تعیین می‌کند؛ چنانچه آموزش و پرورش از نظر ساختار و اهداف درست طراحی شود، در دراز مدت توسعه جامعه تضمین خواهد شد» (ایمانی، ۱۳۸۵: ۶). با این وجود همچنان در تشخیص اینکه چه امری عادلانه است، مثلاً برخی عدالت را حد وسط در نظر می‌گیرند و برخی قرار دادن هر چیز در موضع حقیقی خویش می‌دانند. در عمل برای تحقق عدالت با سؤالاتی مواجه می‌شویم؛ حد وسط هر چیز کجاست؟

حد وسط آزادی، محبت، تقوا و ایمان کجاست؟ آیا در امور ارزشی و اخلاقی حد وسط معنا دارد؟ (مثلا اگر کسی در تقوا افراط کند) چه کسی شایستگی تعیین حد وسط را دارد؟ در رابطه با مفهوم دیگر که عدالت را به معنای قرار دادن هر چیز در موضع حقیقی خویش، نیز سؤالاتی مطرح می‌گردد. جای حقیقی هر چیز کجاست؟ چه کسی صلاحیت تشخیص جای حقیقی هر چیز را دارد؟ اگر فرض شود که جای حقیقی هر چیزی مشخص شده باشد، در مورد انسان‌ها چطور مورد پذیرش قرار می‌گیرد؟ به عنوان مثال به فرد محبت عادلانه ای شود اما برداشت فرد از این موضوع ناعادلانه باشد باز هم در زمینه تحقق عدالت مشکل وجود خواهد داشت. ملاصدرا یکی از اندیشمندان مسلمان است که در خصوص عدالت از یک طرف به مباحث دانشی و معرفتی می‌پردازد و از طرف دیگر به بررسی عدالت در جامعه و اقسام مختلف عدالت می‌پردازد. به طور کلی قبل از آن که ملاصدرا وارد مباحث اجتماعی عدالت بشود و از عدالت اجتماعی و دیگر اقسام آن سخن به میان آورد، معتقد است که باید به فهم مسائل نگاهی جامع داشت و فهم درک مسائل به معرفت و منابع معرفتی بستگی دارد. ملاصدرا با تمرکز بر دو حقیقت وجودی انسان و خدا که از ویژگیهای برجسته حکمت متعالیه است و مهمترین مبانی آن یعنی اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری، به جایگاه هستی شناسانه انسان نه از حیث ارتباط با مراتب پایین هستی، بلکه از جهت ارتباط با عالی ترین مرتبه هستی، یعنی خداوند می‌پردازد. به زعم ملاصدرا انسان باید به سمت و سویی حرکت کند که بتواند عدالت را به مثابه دریافت فهم متوازن و متعادل در وجود خویش تحقق بخشد. فهم و معرفت جامع نسبت به محیط در همه ابعاد زندگی، از توازن و عدالت در درون آغاز می‌شود. ملاصدرا چون از اجتماعی بودن انسان سخن می‌گوید و بر این نظر است که برای انتظام یافتن حیات خویش (نه فقط نظم یافتن) نیاز به تمدن و اجتماع و تعاون است، به نیازمندی انسان از قانون سخن می‌گوید. ملاصدرا با توجه به نظریه قوه و فعل و اصل وجود استعداد در آدمی و در نظر گرفتن تفاوت های فردی معتقد است، عدالت در جامعه زمینه ساز ظهور استعداد های افراد است. از جمله مواردی که در فلسفه صدرا اهمیت دارد، توجه به صفت عدالت در شخص حاکم است. عدالت باید در درون شخص حاکم نهادینه شود و ملکه وی باشد؛ بنابراین با در نظر گرفتن چنین امری عادل بودن افراد در هر جایگاه و سمتی، از بالاترین سطح تا پایین ترین سطح، می‌توان به تحقق عدالت امیدوار بود. ملا صدرا با در نظر گرفتن

حرکت جوهری که طبق آن هستی رو به هدفی متعالی یعنی ایجاد تجلی صفات حق در انسان‌ها در حرکت است، خط مشی حرکت کلی انسان را مشخص می‌کند و گستره‌نگاهی که به انسان و رشد و پیشرفت او دارد، می‌تواند برنامه منسجمی برای تمام زندگی فرد در نظر داشته باشد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۹). پژوهش حاضر با بررسی آثار ملاصدرا در تلاش است به بررسی مفهوم عدالت و چگونگی تحقق آن در جامعه با تکیه بر نقش حکمت در آموزش بپردازد.

مبانی نظری

«عدل به معنای داد کردن، داد دادن، حد وسط میان افراط و تفریط، دادگری، انصاف، عدالت مقابل ظلم، داد، اندازه و حد اعتدال» (معین، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۲۸۲، ۲۲۷۹) «عدالت، یعنی نهادن هر چیزی به جای خود و لفظی است که با معنایی وسیع در کلیه شئون آدمی حضور مؤثر دارد. قانون عدالت یک قانون کلی و عمومی است و هر نوع داوری و حکومت را چه در امور بزرگ و چه کوچک شامل می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۳). «عدالت در دیدگاه فارابی به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب و عدم ترادف با برابری مطلق» (نادری، ۱۳۸۸: ۲۳). «به زعم ابن سینا انسان در وجود و بقای خود، نیازمند مشارکت با دیگران است و برای تحقق این مشارکت، قراردادهایی ضرورت دارد، همچنین بیان می‌کند که، قوانین شرع نیز جز به عدالت حفظ نخواهد شد؛ زیرا مبنای آن عدل و بنابراین راه حفظ آنها نیز تحقق عدل است (حلبی، ۱۳۹۲: ۳۰). «خواججه نصیرالدین طوسی در فصل هفتم رساله‌ی «اخلاق ناصری» به تبیین «شرف عدالت بر دیگر فضائل» می‌پردازد و مفهوم عدالت را در اعتدال، تناسب و مساوات جستجو می‌نماید» (همان: ۱۴۳). عدالت در دیدگاه ملاصدرا عبارتست از «حد میانه نیروهای سه گانه غضب، شهوت و عاقله». به اینصورت که این سه نیرو در در دو طیف افراط و تفریط هستند؛ حد وسط قوه غضب، شجاعت، حد وسط قوه شهوت، عفت و حد وسط قوه عاقله حکمت عملی است که مجموع آنها عدالت نام می‌گیرد (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۱ و ۲: ۱۳۹؛ صدر المتألهین، ۱۳۶۳: ۶۹۱؛ صدر المتألهین، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۱۶)، همچنین ملاصدرا در تعریف دیگر معتقد است عدالت عبارتست از «شهادت را در خدمت غیب آوردن، امیال را در خدمت عقل قرار دادن، ارجاع جزء به کل، دنیا را دنباله رو آخرت قرار دادن و

محسوس را معقول کردن» (طباطبایی ۱۴۳۰ق، ج ۳ و ۴: ۴۵۱، صدرالمآلهین، ۱۳۹۲: ۳۶۷). ملا احمد نراقی معتقد است: «کارکرد عدالت آن است که در میان امور مختلف یک نوع تعادل ایجاد کند و آدمی را از افراط و تفریط باز دارد و به حد وسط و میانه روی راهنمایی کند و میزان عدل که به واسطه آن زیاده و نقصان شناخته می شود، شریعت الهی است» (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۴). به زعم محمدحسین طباطبایی «عدل عبارت است از: برقراری تساوی و توازن میان امور به که سهم شایسته هر یک به آن داده شود در نتیجه همگی در این جهت که در جایگاه شایسته خود قرار گرفتن یکسان و برابرند» (طباطبایی، ترجمه مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۳۳۱). مرتضی مطهری معتقد است که عدالت «استحقاقها و آن حقی که هر بشر به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش بدست آورده است، به او داده شود. نقطه مقابل عدالت، ظلم است که آنچه فرد استحقاق دارد به او ندهند و نیز نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که شرایط مساوی دارند یک موقعیت را از یکی دریغ و از دیگری دریغ ندارند» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۸: ۱۵۶). در تعریف افلاطون^۱ عدالت عبارت است از «قرار دادن هر چیز و هر فرد در سر جای خود» (افلاطون، ترجمه کاویانی و لطفی، ۱۳۸۴: ۳۷). از دیدگاه ارسطو^۲ و عدالت فضیلت کامل است چون عدل ورزیدن مستلزم به کاربردن همه فضایل است، عدالت رعایت تناسب است و اینکه با برابرها به طور برابر و با نابرابرها به طور نابرابر رفتار شود و مواهب و امکانات به تناسب با برابری و نابرابری اشخاص توزیع گردد (ارسطو، ترجمه لطفی تبریزی، ۱۳۹۰). آگوستین^۳ معتقد است: «عدالت حقیقی هر دولت بسته به انطباق اعمال آن دولت با یک نظام جهان گیر و جهان گستر است؛ عدالت مطلق در درجه اول به نظام ربانی که آفاق گیر است، تعلق دارد و در درجه دوم ممکن است به نظامی تنگ تر و محدودتر تعلق گیرد. ماحصل کلام این که هر آن جا که یک نظام دولتی و سیاسی با آن نظام ربانی که شامل آفاق و اکناف است تطبیق گردد، اطاعت کردن از اوامر چنین دولتی عین اطاعت کردن از اوامر الهی خواهد بود» (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۸). توماس هابز^۴ با تکیه بر مفهوم قانون طلایی که بیانگر شعار: «آنچه به خود نمی پسندی به دیگران هم روا مدار و اینکه این قانون برای کم

1. Plato

2. Aristotle

3. Augustine

4. Thomas Hobbes

شعورترین افراد هم قابل درک است» (عالم، ۱۳۹۰: ۲۴۴). «گریزه میل به بقاء نشأت گرفته مسأله قرارداد را مطرح کرد که با تمسک به آن هر کس با عمل به وعده های به حق و طبیعی خود، یعنی صیانت نفس می پردازد و برای دیگران نیز خطر محسوب نمی گردد. عدالت عادات مردم در اجرای قراردادها و توافقاتها و وفای به عهد و پیمان است و به عبارت دیگر عدالت دقیقاً عبارت از وفای به عهد و پیمان است در صورتی که دیگران هم به قول و قرار خود وفادار باشند» (تاک^۱، ترجمه بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۰۴). فردریک هایک^۲ معتقد است وصف عدالت یا بی عدالتی در مورد روابط و ترتیبات اجتماعی و نهادها و ساختارهای جامعه اساساً موضوع ندارد؛ زیرا یگانه کاربرد صحیح واژه عدالت به رفتار آگاهانه انسانی (موجود مختار و صاحب اراده) منحصر می شود. به نظر وی عدالت اجتماعی در جامعه ای آزاد که قوانین آن مجال تلاش و فعالیت آزادانه و جدیت افراد در تعقیب خواسته ها و اهداف فردی آنان را فراهم آورده است، مبحثی میان تهی و بی معناست و عدالت اجتماعی در سازمان و جامعه ای که افراد بر طبق دستورهای مرکزیتی (نظیر ارتش) عمل می کنند و از خود استقلال در تصمیم گیری و انتخاب ندارند، معنا می یابد (واعظی، ۱۳۸۸: ۳۷۱). «جان رالز^۳ در توضیح اهمیت یافتن تصورات مشترکی از عدالت برای تنظیم مناسبات اجتماعی خاطر نشان می سازد که افراد دریافت های متفاوتی از عدالت و بی عدالتی دارند و توافقی میان آنها وجود ندارد. تصور مشترک از عدالت است که در میان انسان هایی با اهداف های گوناگون صلح مدنی ایجاد می کند، بنابراین تصور مشترکی از عدالت آغاز یک نظم مطلوب در اجتماع است. رالز دو اصل عدالت را به عنوان اصول اخلاقی اولیه لیبرال دموکراسی معرفی می کند. اولاً هر فردی که در درون یک نهاد یا تحت تأثیر آن قرار دارد، حقی مساوی نسبت به آزادی به وسیع ترین معنای آن دارد که در عین حال با آزادی مشابهی برای همگان سازگار باشد. ثانیاً نابرابری هایی که به موجب ساختار نهادها تعیین و حفظ می شود، دلبخواهانه و خود سرانه است، مگر آنکه از عقلاً بتوان انتظار داشت که به نفع همگان است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۳۹). «به اعتقاد رابرت نوزیک^۴ یگانه نظریه عدالتی که با حقوق طبیعی و الزامات

1. Tuck
2. Friedrich Hayek
3. John Rawls
4. Robert Nozick

جانبی برخاسته از این حقوق سازگاری و تناسب دارد، نظریه تاریخی عدالت است که به جای پرداختن به معرفی الگویی برای توزیع منابع و امکانات یا باز توزیع ثروت و دارایی‌ها به شیوه به دست آوردن و انتقال اموال و دارایی‌ها نظر دارد. این رویکرد به حفظ و شناخت حقوق ملکی توجه می‌کند» (واعظی، ۱۳۸۸: ۶۲). «نوزیک معتقد است: که هر طرح توزیعی که از حد ایجاد صلح، نظم و امنیت مالکیت فراتر برود عادلانه نیست» (بلوم^۱، ترجمه تدین، ۱۳۷۳: ۹۲۵).

به طور خلاصه عدل به معنای قرار دادن هر چیزی در موقعیت و جایگاه خود است در مجموع عدالت در دیدگاه اندیشمندان مسلمان به عنوان یک فضیلت مطرح است؛ که در نتیجه تعادل و رعایت حد وسط بین افراط و تفریط، رعایت استحقاق‌ها، تعادل در فضایل شجاعت و عفت ایجاد می‌گردد. عدالت در دیدگاه اندیشمندان غربی در دوران باستان و قرون وسطی با ماهیت و سرشت انسان، سیاست و جامعه آرمانی، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی و تعریف ویژگی‌های زندگی خوب، مد نظر قرار می‌گیرد؛ در این دوران عدالت به معنای قراردادن هر چیز در جایگاه واقعی خویش و رعایت استحقاق‌ها و اعتدال و در نظر داشتن حد وسط و پرهیز از افراط و تفریط است. اندیشمندان معاصر مسلمان برعکس اندیشمندان معاصر غرب عدالت را فراتر از یک قرارداد اجتماعی که مبتنی بر سلیقه فردی، قراردادی و تابع وضع قانون‌گذار است، در نظر می‌گیرند؛ آنها عدالت را به عنوان ویژگی جهان هستی در نظر می‌گیرند که حکومت و جامعه و حکام باید از آن پیروی کنند و عدالت با در نظر گرفتن دانش فلسفی و پایه و اساس الهی مد نظر دارند. در واقع برای اندیشمندان معاصر غرب معیار عدالت پیروی از قانون است که شاید آن قانون عادلانه باشد و یا نباشد. مهم آن است که در جامعه به درستی اجرا شود و دیدگاه آنها نسبت به عدالت اومانستی است. مفهوم عدالت در دیدگاه‌های معاصر غرب هر چند ناقص اما از مسیر فلسفه خواه و ناخواه گذشته‌اند و به عدالت به معنای سطحی از حقوق و قانون رسیده‌اند و هر چند مبتنی بر خود محوری است ولی جنبه واقع‌گرایانه تر و عملگرایانه تر در آنها پررنگ تر است. عدالت در میان اندیشمندان معاصر اسلامی مبتنی بر خدا محوری است و پایه‌های فلسفی الهی را در نظر دارد اما به قابلیت اجرایی شدن آن کمتر پرداخته شده است.

1. Bloom

پیشینه پژوهش

خلیلی (۱۴۰۰) در مقاله ای تحت عنوان " مفهوم عدالت " به این نتیجه رسید که عدالت هر چند معانی متفاوتی دارد اما در اصل به معنای برابری و مساوات است. پیله ور (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان " بررسی مفهوم عدالت از منظر آیات و روایات و اقوال و نظرات فقهای امامیه " به این نتیجه رسید، این نکته که شهادت شهود طریق الی الواقع است نه کاشف عن الواقع و با استقراء در منابع فقه اسلامی، هفت طریق برای اثبات و احراز عدالت به دست آمد، که عبارتند از: علم قاضی، حسن ظاهر، تزکیه، شیاع، معاشرت، اختبار و استصحاب. حق گو و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله ای با عنوان " بررسی تطبیقی مفهوم عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی و نظریه نئوگرامشی " به این نتیجه رسیدند که مفهوم عدالت جهانی در اندیشه سیاسی امام خمینی جایگاهی کانونی دارد. به نظر می رسد بدون توجه به این مفهوم نمی توان فهمی عمیق از اندیشه ایشان به دست آورد. جایگاه این مفهوم در اندیشه امام به گونه ای است که ادراک دیدگاه دیگر متفکرین در این رابطه می تواند فهمی همه جانبه تر از این مفهوم را منتج گردد. در میان مکاتب مختلف موجود در حوزه روابط بین الملل متفکرین مکتب انتقادی بیش از دیگران بر مفهوم عدالت جهانی تأکید نموده اند. آنها ایده های قابل توجهی را درباره عدالت جهانی مطرح نموده اند و با طرح قدرت، ایده و نهاد به عنوان سه مؤلفه اصلی تثبیت و تحکیم هژمونی، بی عدالتی نظم کنونی جهانی را به چالش کشیده اند. چالشی که به فصل مشترک اندیشه امام و نظریه نئوگرامشی تبدیل شده است. با وجود تفاوت های اساسی فرانظری میان این دو جریان اما در اصل وجود چالش تعارضی وجود ندارد. چمن (۱۳۹۹) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان " معنا شناسی و معنا پردازی مفهوم عدالت در نهج البلاغه " به این نتیجه رسید که در دیدگاه امام علی (ع)، عدالت اصلی است که جامعه را قوام می بخشد، به اعتدال می رساند و سلامت، آسایش و آرامش آن را تضمین می کند. در حقیقت، عدالت چیزی است که می توان به آن به عنوان مرز ایمان نگریست و به حدود آن راضی و قانع بود. واژه عدالت در نهج البلاغه، بسترهای معنایی متعددی دارد. عدالت در نهج البلاغه، به عنوان یک اصطلاح خاص، معانی متفاوتی دارد؛ از جمله: میزان، میانه روی، حق، ضد جور، انصاف و گذاشتن هر چیز در محل خود. از طرف دیگر، یکی از راه های رسیدن

به درک صحیح معنای مورد نظر امیر مؤمنان (ع) در نهج البلاغه در باب واژه عدالت، در نظر گرفتن واژه های مشابه یا متضاد آن است که در یک بستر مناسب در هم نشینی با این واژه قرار گرفته اند و زمینه را برای برجسته ساختن معنا یا معنای اصلی آن فراهم کرده اند. محمد هاشمی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان "عدالت از دیدگاه خواجه نظام الملک طوسی با تأکید بر سیاستنامه با رویکردی توصیفی-تحلیلی" به این نتیجه رسید که خواجه نظام الملک، با واقع بینی عدالت را با داشتن نیم نگاهی به اندیشه عدالت در یونان باستان و دریافتی گزینشی از عدالت در ایران باستان، تحلیل می نماید. از نظر خواجه عدالت از بالا به پایین و از پادشاه به سمت رعیت جاری و ساری می شود؛ پادشاه وظیفه برقراری عدالت و رعیت تکلیف اطاعت از او را به عهده دارند. رعایت عدالت برای پادشاه، افزایش قدرت و دوام حکومت و برای رعیت، امنیت را به همراه دارد. خواجه رعایت عدالت به جهت قوام و دوام حکومت، متذکر می شود و اجرای آنرا عاملی در جهت، افزایش قدرت پادشاه می داند. مولا و فام^۱ (۲۰۱۹) در مقاله "سرمايه، صلاحيت و عدالت اجتماعي" به بررسی عدالت اجتماعی به عنوان تقویت آزادی فرصت برای دانش آموزان و خانواده های آنها و توسعه این آزادی ها اشاره دارد. درک فرآیندهای اجتماعی مشارکتی پیچیده برای درک راه هایی که آزادی فرصت ممکن است به طور نابرابر برای افراد مختلف پدیدار شود، حیاتی است و این نابرابری ها ممکن است در فرآیند ورود به مدارس و تجربه شیوه های تحصیلی مرکب شود.

نقش آموزش را به عنوان ارتقای شهروندی دموکراتیک در جوامع کثرت گرا اهمیت دارد؛ به دلیل ظرفیت آن برای گشودن جهان های برتر فرهنگی و هنری به روی مردم در بزرگ ترین معنا برای کمک به شکوفایی انسان به جای توجه به یک دیدگاه تک نگر به آموزش به عنوان آماده سازی افراد برای کار. ترن بال^۲ (۲۰۱۳) در رساله دکتری خود با عنوان سیاست آموزش و عدالت اجتماعی، به این نتیجه رسیده است، با وجود تلاش مدیران برای ترویج عدالت اجتماعی، هم زمینه مدرسه و هم عوامل سیاسی و اقتصادی خارجی موفقیت آنها را به طور قابل توجهی محدود می کند. از این رو آموزش در آفریقای جنوبی همچنان در تلاش است تا عدالت اجتماعی

1. Molla&Pham
2. Turnbull

را برای اکثر دانش آموزان به ارمغان آورد. این تحقیق به ادبیات محدود در مورد رهبری در آفریقای جنوبی کمک می کند و صدایی را برای رهبران مدارس فراهم می کند؛ تا به جای بیان لفاظی های دولت، واقعیتی را که با آنها روبرو هستند، شناسایی کنند. آرتور و مری^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهش خود با عنوان "دانش و عدالت اجتماعی (بازنگری در تربیت انتقادی در آموزش عالی" به این نتیجه رسیدند که آموزش عالی می تواند از طریق تعامل با اشکال پیچیده و مورد مناقشه دانش، به عدالت اجتماعی کمک کند. اشکال فعال مشارکت که ضرورت خطر و عدم قطعیت در تعامل ما با دانش را در بر می گیرد. فراهم آوردن فضاها و فرصتهایی که به موجب آن کسانی که با دانش درگیر هستند، می توانند از سلطه جریان اصلی فرار کنند و بنابراین شانس بیشتری برای تغییر وضع موجود دارند.

روش پژوهش

به منظور بررسی مفهوم عدالت در دیدگاه ملا صدرا، کلیه آثار ملا صدرا به عنوان جامعه آماری و از طریق نمونه گیری هدفمند مواردی در آثار ملا صدرا که مرتبط با اهداف و سوالات پژوهش بود، انتخاب گردید. رویکرد حاکم بر این پژوهش از یک جهت بنیادی و از جهت دیگر کیفی است. با توجه به اینکه داده های مورد استفاده در این پژوهش آثار ملا صدرا است، از روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید. «تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی کاربرد ندارد، نمود می یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می توان روش تحقیق برای تفسیر ذهنی محتوای داده های متنی از طریق فرایندهای طبقه بندی نظام مند، کدبندی و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. همچنین یکی از ویژگی های بنیادی و پژوهش های کیفی نظریه پردازی به جای آزمون نظریه است» (مومنی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). «مراحل تحلیل محتوا شامل سه مرحله آمادگی، سازماندهی، گزارش است. بخش آمادگی شامل مشخص کردن مسئله پژوهش، تدوین سؤالات و اهداف، تعریف و مشخص کردن متغیرها است. بخش سازماندهی شامل نمونه گیری، انتخاب واحدهای تحلیل، زمینه کدگذاری و مقوله بندی است و بخش گزارش شامل تحلیل، استنباط نتایج و گزارش است» (همان: ۱۹۹). داده ها در این پژوهش علاوه بر کتابخانه های

1. Arthur & Mary

تخصصی موجود، از منابع و پایگاههای علمی اینترنتی داخلی و خارجی بدست آمد. روش و تحلیل داده ها در پژوهش حاضر به صورت تحلیل محتوای استقرایی استفاده گردید. به منظور بررسی مفهوم عدالت از روش تحلیل محتوای استقرایی استفاده گردید. «در روش تحلیل محتوای استقرایی پژوهشگر از به کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب می ورزد و در عوض اجازه می دهد که طبقات و نامشان از درون داده ها بیرون آیند. در این روش به جای اینکه شروع گردآوری داده ها با اتکا به فرضیاتی باشد که از دل یک نظریه بیرون آمده است، نقطه شروع آن بر اساس سوال و هدف پژوهش است؛ بنابراین پژوهشگر در داده ها کاملاً غرق شده تا به یک درک و بصیرت جدیدی دست پیدا کند. ابتدا تحلیل داده ها و خواندن مکرر متن برای غوطه ور شدن در آنها یافتن یک درک کلی آغاز می شود و سپس متون کلمه به کلمه خوانده می شود تا کدها استخراج شوند. این فرایند به طور پیوسته از استخراج کدها تا نامگذاری آن ها تداوم می یابد. سپس کدها و بر اساس تفاوت ها و شباهت هایشان به داخل طبقات دسته بندی می شوند و در پایان به ازای هر مفهوم، شواهدی از متن نقل قول می شود (همان، ۱۳۹۲: ۲۰۶-۲۰۷). به نقل از شاتون^۱: (۲۰۰۵). به منظور دستیابی به مقولات یا کدهای اولیه، کلیه آثار ملا صدرا مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. در بررسی مفهوم عدالت نمونه هایی که با سوالات پژوهش مرتبط بود به صورت کد گذاری باز یا آشکار انتخاب گردید. با بررسی آثار ملا صدرا کدهای اولیه که مقولاتی مرتبط با سوالات پژوهش بود، استخراج گردید. این کدهای اولیه عبارت بودند از: اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، عدالت جزائی، عدالت تکوینی و عدالت تشریحی عدالت. با بررسی ارتباط بین کدهای اولیه، کدهای محوری مشخص گردید که عبارت بودند از: : با بررسی ارتباط بین کدهای اولیه، کدهای محوری مشخص گردید که عبارت بودند از: بررسی مبانی فلسفی دیدگاه ملا صدرا در تبیین مفهوم عدالت و اقسام عدالت در دیدگاه ملا صدرا. ابتدا مفهوم عدالت از بعد هستی شناسانه مورد بررسی قرار گرفت و سپس زمینه لازم برای تحقق آن با توجه به اقسام عدالت یا همان مقوله ی محوری دوم مورد بررسی قرار گرفت. در سوال دوم روش قیاسی به کار گرفته شد. استفاده از روش تجزیه و تحلیل قیاسی زمانی ضرورت می یابد که «پیرامون موضوع تحقیق، دیدگاه های نظری گوناگونی وجود دارد و هدف از انجام تحقیق آزمون

1. Shaton

نظریه های پیشین و یا بسط آنها در یک زمینه متفاوت است. نظریه ها و ادبیات موجود در یک زمینه می تواند به پیش بینی متغیرها و روابط میان آنها کمک کند. از این رو می توان فرایند مطالعه را به شکلی ساخت یافته تروبا بهره گیری از دیدگاههای پیشینی هدایت کرد. دیدگاه های موجود به ما کمک می کند که به تعریف عملیاتی مفاهیم مورد نظر دست پیدا کنیم (بی، ۱۳۸۱: ۶۵۷ به نقل از تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). به منظور بررسی چگونگی تحقق عدالت در دیدگاه ملا صدرا با مبنا قرار دادن نتایج بدست آمده در سوال اول و با روش قیاسی به بررسی چگونگی تحقق عدالت در دیدگاه ملا صدرا پرداخته شد.

سؤالات پژوهش

۱. عدالت در دیدگاه ملا صدرا چه مفهومی دارد؟
۲. چگونگی عدالت در جامعه تحقق می یابد؟

یافته ها

برای پاسخ به پرسش اول مفهوم عدالت در: مبانی فلسفی، اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری، عدالت تکوینی، عدالت تشریحی و عدالت جزائی تبیین شده است. اصالت وجود در فلسفه صدرا از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ وی در مشعر سوم رساله المشاعر صفحه ۱۴۷ که درباره تحقق عینی وجود یا همان اصالت وجود نگاشته شده، در عبارتی کوتاه اما رسا می نویسد: «بدان - و خداوند تو را به نور خویش تایید فرماید - که وجود سزاوارترین چیزها به آن است که دارای حقیقت باشد». نیز در جای دیگر، می نویسد: «از آنجا که حقیقت هر چیزی، ویژگی وجودی آن است که به آن تحقق و ثبوت پیدا می کند، پس وجود، از حیث حقیقت داشتن، بر هر چیز دیگری اولویت دارد. پس وجود به ذات خود موجود است، اما دیگر چیزها به ذات خود موجود نیستند، بلکه به وجود هایی که بر آنها عارض می شوند، وجود می یابند» (الشیرازی، ۱۴۱۹: ۳۹ به نقل از بهشتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۰). عدالت هم مانند تمامی صفات خداوند، به عنوان یک مسئله فلسفی مطرح است که ملا صدرا با نگاه وجود شناختی آن را مد نظر قرار داده است، وی بر اساس اصالت وجود و دیگر مبانی حکمت متعالیه، نحوه وجود عدالت و نوع ارتباط آنها را با ذات

باری تعالی به خوبی تبیین کرده است. تأثیر اصالت وجود بر اندیشه کلامی صدرالمتألهین در زمینه تبیین عدالت الهی کاملاً مشهود است؛ «اما برای فهم دیدگاه وی درباره وجودشناسی عدالت و بلکه کل صفات فعلی و اضافی خدا که در حد خود بحثی بسیار دقیق و پیچیده است، باید دو سنخ وجود را از هم تفکیک کرد؛ یکی وجود مستقل که بدون لحاظ موجودات دیگر دارای حقیقت مجزایی بوده و از لحاظ ماهیت نیز حد و تعریف خاصی دارد، دیگری وجود غیرمستقل یا به تعبیر صدرای وجود رابط که حقیقتی وابسته دارد و وجود آن عین ربط تعلق به موضوع خود می‌باشد» (صدرالدین شیرازی، ترجمه خواجوی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۸۰-۸۲). «عدالت برطبق اصالت وجود، مفهومی اعتباری نیست و همینطور قراردادی بین انسان‌ها نیست؛ بلکه مفهومی وجودی است. به طور خلاصه عدالت معیار دارد ولی این معیار قراردادی و اعتباری بین انسان‌ها نیست بلکه مفهومی وجودی است و درک و شناخت آن کمک می‌کند که انسان‌ها بدان نائل گردند. مفهوم عدالت بر مبنای اصالت وجود عبارت است از اینکه عدالت همانا ذات حضرت حق است که در جلوه‌ای خاص خود را نمایانده است. برطبق دیدگاه ملاصدرا «هر چند موجودات از حیث کمال و نقص، و تقدم و تاخر و آشکاری و پنهانی با یکدیگر اختلاف ذاتی دارند و چونان مراتب نور خورشید- که نمونه و مثال خداوند در عالم محسوسات است؛ مرتبه بند و تعدد پذیرند، اما باید توجه داشت که همین نور خورشید چون در منشور منعکس شود، رنگ‌های گوناگون سرگرم شود و دیدگانش از تماشای جمال نور حقیقی محروم گردد، چنین پندارد که فراسوی این رنگ‌ها ی گوناگون، نور واحد و پشت این نمودهای مختلف، حقیقتی مشترکی در کار نیست. در عالم هستی نیز چنین است. اگر انسان به جلوه‌ها و نمودهای وجود- که در ذهن به شکل ماهیات متعدد و متکثر بازنموده می‌شوند- نگاه بیندازد و محو تماشای آنها بشود. در دام توهم و تخیل گرفتار می‌آید و از ظاهر و سطح مراتب وجود فراتر نمی‌رود، اما اگر رنگ‌های پدید آمده در منشورهای هستی را مشاهده نماید و با نگاه ژرف و عقلی و گشودن دیدگان باطنی این حقیقت را دریابد که این اختلافات و کثرات، عرضی بوده، در اصل هستی هیچ اختلاف و کثرتی در کار نیست، ازنگاهی توحیدی بهره ور می‌شود و نیک در می‌یابد که این ظهور و جلوه‌ها از یک حقیقت و این کثرت‌ها و اختلاف‌ها از یک واقعیت واحد خبر می‌دهند که او همان ذات اقدس احدیت و نور حقیقی واجب الوجود است». (الشیرازی، ۱۹۸۱: ۷۰-۷۱ به نقل از بهشتی

و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۲-۳۰۱). بنابراین نفس در چگونگی و کیفیت اکتساب عدالت دارای مراتبی تشکیکی است. سیر اتصاف به نحوه ی وجودی یک امری دفعی الوقوع نیست بلکه امری تدریجی است و رسیدن به نهایت یک صفت اخلاقی، یکباره برای نفس حاصل شدنی نیست و هرچه نفس مراتب پایین تر از صفت اخلاقی را در سیر استکمال بدست آورد، در مراتب بالاتر ضمن دارا بودن مراحل ضعیف تر به مرحله از اشتداد وجودی از آن صفت اخلاقی دست پیدا می کند» (راد حسینی، ۱۳۹۱: ۳۵). مفهوم عدالت با توجه به تشکیک وجود عبارت است از اینکه عدالت چون مفهومی وجودی است و وجود دارای مراتب و مشکک است، عدالت نیز امری است که دارای مرتبه و مشکک است و روند اتصاف به آن تدریجی و مبتنی بر ظرفیت وجودی نفوس است. اساساً صدرا برای حرکت، ماهیتی قائل نیست و آن را عبارت از نحوه وجودی تدریجی الوجود می داند و تصریح می کند که حرکت از موجودات خارجی نیست بلکه امری عقلانی و انتزاعی است که منشأ آن موجود خارجی است که وجودش به صورت تدریجی از قوه به فعل خارج می شود. استدلال ساده صدرالمتألهین برای اثبات حرکت جوهری، چنین است: اگر طبیعت در ذات خود دارای سیلان و تجدد نباشد، صدور حرکت از آن ممکن نیست، زیرا صدور متغیر از ثابت محال است» (صدرالدین شیرازی، ترجمه طیبیان، ۱۳۸۲: ۳۲۴) «نگرش صدرا به آموزه عدالت و ضرورت تحقیق آن در جوامع بشری و نفوس انسانی بر مبنای حرکت جوهری نیز قابل بررسی است؛ چه از دید او، علم و اراده، نحوی از وجود و مظهری از مظاهر هستی است و چون انسان صاحب عقل، از موجودات دیگر در این دو صفت بهره بیشتری دارد، به سوی جایگاه برتر و رفیع تر از خود در جنبش و حرکت است؛ آدیان همواره در تحقق عدالت در نفوس خود و جامعه خود به سوی حق تعالی که عدل مطلق است در حرکت اند؛ بنابراین می توان یکی از مبانی وجود شناختی عدالت در حکمت متعالیه را نظریه حرکت جوهری به شمار آورد؛ چرا که بر اساس نظر صدرا حرکت جوهری مبتنی بر استعداد و قابلیت هیولا برای پذیرش صورت های متفاوت و متعدد است» (همان، ۱۳۸۲: ۳۲۹). «با توجه به دیدگاه خاص ملا صدرا همانطور که گذشت، نفس با همه ی خصوصیات و شرایط، متحرک به حرکت جوهری است و از مرتبه جسمانیة الحدوث آغاز می کند و تا روحانیة البقاء پیش می رود. بطور طبیعی مرتبه جسمانی، آغاز برخورداری از صفات مختلف است که آن صفات، صفات جسمانی و حسی هستند و هر کدام در مرحله آغازین و

ابتدایی بسر می برند و بمرور که از جسمانیت نفس کاسته شده و به روحانیت آن افزوده می گردد، صفات نفسانی نیز متحول شده و جلوه ها و صورتها و هستی های متفاوت ظاهر می گردد. بدین معنا صفاتی چون علم، عدالت، عطف، صبر، زیبایی، مهر، اراده و قدرت در مراتب مختلف متفاوتند. زیرا با هر حرکت نفس و صعود و کمال آن در مرتبه بالاتر، صفات خاصی نیز باید تغییر نمایند و متناسب با آن مرحله گردند. به این ترتیب، با توجه به مسئله تعلق جعل به وجود، فاعل نفس انسانی، نفس و قوا و حرکت جوهری آن را به اراده واحده ای جعل می کند و برای هر یک از اینها نیازمند جعل و فعلیت مجدد نیست. فاعل حقیقی، بنابر آنچه در فلسفه از خصوصیات علیت فلسفی گفته می شود، تنها خداوند است» (خامنه ای، ۱۳۹۱: ۱۹۸). از آنجایی که مفهوم عدالت مرتبط با انسان است و از طرفی حرکت در هم تنیده با مفهوم عدالت است وجود مفهوم عدالت به عنوان تجلی ذات حق و تلاش انسان ها برای رشد و کمال و تجلی صفات الهی در نفسشان و به معنای حرکت به سوی عدالت یا عدالت در سطح بالاتر است در این صورت مفهوم حرکت جوهری ملا صدرا مشخص کننده ویژگی حرکتی است که به سمت رشد و تعالی منتهی می گردد، بنابراین حرکت جوهری انسان مفهومی است که در پژوهش حاضر اهمیت ویژه ای پیدا می کند:

«۱. حرکت خروج تدریجی از قوه به فعل است. ۲. حرکت و سکون، از عوارض موجود به ما هو موجود است. ۳. حرکت در موجوداتی پدید می آید که از جهتی بالقوه و از جهتی بالفعل اند. ۴. مبدأ قریب یا علّت مباشر همه حرکات، طبیعت جوهری یا صورت نوعیه اجسام است. ۵. طبیعت جوهری بنا به این قاعده فلسفی که «علّت متغیر، متغیر است» پیوسته در حرکت است. ۶. با این وجود، علّت بعید یا مجرد حرکات جوهری ثابت است نه متغیر. ۷. در همه حرکات جوهری و از جمله حرکت جوهری انسان، حرکت امری متجدد الوجود اما ثابت الماهیه است؛ به این معنا که حرکت در یک جنس مشترک واحد، اما در بی نهایت ماهیت بالقوه رخ میدهد. ۸. بر مبنای وحدت تشکیکی وجود نفس، نفس در عین وحدت و بساطت، واجد مراتب متکثر و متعدد و در عین کثرت مراتب، واجد وحدت و بساطت است. ۹. بنابر اصالت وجود، انقلاب در ذات انسان، امکان پذیر است. ۱۰. چون بر مبنای حرکت جوهری، هیچ ماهیت بالفعلی در کار نیست، پس در طبیعت، هیچ شیء ثابتی وجود ندارد. ۱۱. بر اساس حرکت جوهری، جمع اضداد امکان پذیر است» (بهشتی، ۱۳۹۳: ۹۳). در پرتو حرکت جوهری عالم طبیعت و آنچه در آن است، خصوصاً

انسان به سوی جایگاه بالاتر در حرکت اند و هدف این حرکت رسیدن انسان به بالاترین جایگاه یعنی تجلی تمام صفات الهی در نفس است. در پرتو حرکت جوهری هر آنچه که صلاحیت و استعداد پذیرشش را دارد، بدون تبعیض دریافت می‌کند. و چون خداوند عادل است، همین روند به تحقق مدام و مستمر عدالت در عالم هستی و نفوس انسانی است، منتهی می‌گردد. مفهوم عدالت بر طبق حرکت جوهری عبارتست از اینکه عدالت همان حرکتی است، مستمر و پیوسته تا نفس آنچه که صلاحیت و استعدادش را دارد، دریافت نماید. با توجه به مبانی فلسفی ملا صدرا و جمع بندی موارد مذکور مفهوم عدالت در دیدگاه ملا صدرا بدست آمد که عدالت عبارتست از حرکتی مستمر، پیوسته و مشکک تا نفس، آنچه که صلاحیت و استعدادش را دارد، دریافت نماید و تجلی صفات الهی گردد. در این قسمت مفاهیم عدالت تکوینی، عدالت تشریحی و عدالت جزائی؛ از منظر ملا صدرا مورد تبیین قرار خواهند گرفت. مبنای حکمت متعالیه وجود اشیا و صدور موجودات از جانب حق تعالی به دو صورت است: «یکی ابداع است که عبارت است از صدور وجود از واجب الوجود بدون مشارکت جهت قابلیت و استعداد (که از خواص ماده و از لوازم وجود مادی است) و دیگری تکوین که عبارت است از وجودی است که صدور آن از واجب الوجود متوقف است» (صدرالدین شیرازی، ترجمه اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۷۹). عدل به معنای تکوینی آن در اندیشه صدرایی محور اساسی است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت بنیان وجودی عالم تکوین و ضرورت تحقق آن در مدینه انسانی بنا شده است؛ توضیح اینکه لازمه قول به عدل تکوینی، اعتراف به خیر بودن عالم هستی و به تعبیر فلسفی، اثبات نظام احسن است؛ ایده نظام احسن یکی از مباحث مهم فلسفی است که در اندیشه فلاسفه اسلامی به طور عام و در حکمت متعالیه صدرایی به طور خاص، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ صدرا المتالهین بر اساس مبانی فلسفی خود، موجودات هستی را فعل حق تعالی و عین تجلی و ظهور اسما و صفات الهی و صادر از نظام ربانی دانسته که به برکت عنایت الهی دارای بهترین شکل ممکن هستند، چراکه عنایت در تفکر صدرا به معنای این است که «ذات حق تعالی، لذاته به جهان هستی و نظام اتم وجود، عالم است، بدان صورت که در نظام اتم واکمل آفریده شده است؛ در عین حال علم عنایی حق، عین خلق و عین نظام اتم و احسن است و ذات او علت است، برای خیر و کمال در حد اعلاء و نهایت امکان، در حالی که بر همان نحو (در حد اعلا و اتم) به آن را راضی می‌باشد (صدرالدین شیرازی، ترجمه

خواجوی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۵۷). مفهوم عدالت تکوینی عبارت است از: تناسب، توازن و رعایت استحقاق در افاضه وجود. یکی دیگر از مراتب و اقسام عدالت الهی در اندیشه‌های کلامی صدرالمتهلین عدالت تشریحی، مرتبط با احکام و تکالیف دینی اعم از شریعت ظاهری و باطنی است. عدالت تشریحی در اندیشه اسلامی، بدین معناست که تکالیفی که خدا به وسیله پیامبران بر مردم نازل کرده است، بر پایه عدل و دادگری است؛ یعنی اولاً همه احکام لازم برای سعادت انسان را فرو فرستاده، ثانیاً هیچ انسانی را بیش از توان و ظرفیت وجودیش مکلف نساخته است (کربن، ترجمه مجتهدی و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۸ به نقل از گنجور، ۱۳۹۵: ۱۷۹). از دیدگاه ملاصدرا قانونی که می‌تواند به اداره زندگی بشر یاری رساند، همان شریعت الهی است و برای اینکه شریعت الهی بتواند به عنوان قانون، زندگی بشر را انتظام بخشد، وجود شارعی از جنس انسان‌ها ضرورت پیدا می‌کند. جامعه‌ای که کمک می‌کند، افراد آن جامعه به والاترین درجه کمال برسند، جامعه کامل یا همان مدینه فاضله است (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۹). «پس برترین خیر و والاترین کمال، تنها به واسطه جامعه و امت کامل به دست می‌آید که تمامی شهرهایش در اموری که آنها به غایت و خیر حقیقی نائل می‌گردند، همکاری می‌کنند؛ نه جامعه ناقص و امت جاهل که در راه دستیابی به برخی غایات - که همانا شریعت است - با یکدیگر همکاری دارند» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۳۵۷-۳۵۸ به نقل از بهشتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۶۰). مفهوم عدالت تشریحی در دیدگاه ملاصدرا عبارت است از مبنی قراردادن دستورات عادلانه الهی که مبتنی بر در نظر گرفتن ظرفیت و توان بندگان در زندگی اجتماعی. عدالت جزائی، رعایت تناسب بین فعل و مکافات عمل است. تاثیر و فایده‌ی عدالت جزائی، تحقق تعادل روح و تهذیب باطن و تلاش برای رسیدن به ملکه‌ی عدالت بین نیروهای درونی نفس است که خود می‌تواند زمینه و عاملی موثر برای ایجاد جامعه سالم مبتنی بر انصاف و اعتدال به شمار آید؛ چه اینکه صدرالمتهلین مراتب و منازل وجود را منفصل و منفک از یکدیگر نمی‌داند، بلکه همه عوالم وجود و مراتب دنیوی (حسی)، برزخی و عقلاهی هستی را یک حقیقت واحد متصل و مشکک، تصور و معرفی می‌کند (صدرالدین شیرازی، ترجمه‌ی بابایی، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۲۰۶). مفهوم عدالت جزائی در دیدگاه ملاصدرا عبارت است از رویارویی انسان به صورت عادلانه با پیامد رفتارهای خویش. تبیین مفهوم عدالت با توجه به اقسام آن در دیدگاه ملاصدرا عبارت است از هستی مبتنی بر عدالت است و به هر وجودی، آنچه را

استحقاق داشته، افاضه شده است که برای هماهنگی با چنین جریانی در جهان هستی دستورات الهی مبتنی بر عدالت برای بشر فرستاده شده است و انسان به طور عادلانه با پیامد های انتخابهایش مواجه می گردد. مفهوم عدالت دیدگاه ملا صدرا عبارتست از حرکتی مستمر، پیوسته و مشکک تا نفس، آنچه که صلاحیت و استعدادش را دارد، دریافت نماید و تجلی صفات الهی گردد. این امر از طریق درک طبیعی بودن عدالت در نظام هستی و پذیرش دستورات الهی و رویارویی انسان با پیامد رفتارهایش میسر می گردد. با توجه به مفهوم بدست آمده از عدالت در پژوهش حاضر می توان به بررسی چگونگی تحقق عدالت در جامعه پرداخت. عدالت در دیدگاه ملا صدرا که عبارتست از حرکتی مستمر، پیوسته و مشکک تا نفس، آنچه که صلاحیت و استعدادش را دارد، دریافت نماید و تجلی صفات الهی گردد. این امر از طریق درک طبیعی بودن عدالت در نظام هستی و پذیرش دستورات الهی و رویارویی انسان با پیامد رفتارهایش میسر می گردد. با توجه به اینکه انسان رکن اصلی جامعه می باشد، پژوهش حاضر از طریق محور قرار دادن انسان در صدد است، با بررسی نحوه فعلیت بخشی استعداد های انسان به قرارگیری انسان در جایگاه حقیقی خویش یاری رساند و از این طریق به بررسی تحقق عدالت پردازد. با قرارگیری انسان در جایگاه حقیقی خودش، هرچیز دیگری در جایگاه خودش قرار می گیرد. به منظور تحقق عدالت در دیدگاه ملا صدرا توجه به دو نکته اهمیت دارد اول: تشخیص استعداد انسان و دیگری هدایت استعداد انسان و فعلیت بخشی به آن. با توجه به دیدگاه ملا صدرا در باره عدالت نکاتی در راستای تحقق عدالت بدست آمد:

- از نظر ملا صدرا حکمت یعنی مبدل شدن انسان به عالم صغیر (جهان عقلی)، شبیه و مطابق با عالم کبیر (جهان عینی) یا احاطه به کلیات و تجرد از عالم مادی (صدرالدین شیرازی، ترجمه خواجوی، ج ۷، ۱۳۸۰، ۲: ۲۳-۲۵). در این نگرش انسان، آینه حقیقت و بلکه جلوه حقیقت می گردد و اگر عالم آنگونه که صدرا می اندیشد، بر اساس عدل است، پس انسان جلوه ی عدل در عالم می شود (اکبریان، ۱۳۸۸، ص ۶-۲۴۵). در واقع با حکمت انسان جلوه ی عدل در عالم می گردد. به عبارتی دیگر با تصحیح ارتباطات چهارگانه و قرارگیری هر کدام از آنها در جایگاه حقیقی خود انسان به حکمت دست پیدا می کند. کسی که عادل است، حاکم هم هست. حاکم یعنی کسی که حکم به درستی امری بدهد و قدرت تشخیص درست از نادرست را بدست آورد (با

توجه به ظرفیت وجودی) به نوعی با تصحیح ارتباطات چهارگانه انسان حاکم درون خودش (افکار، احساسات، رفتار) می گردد. به منظور تحقق عدالت، آموزش و پرورش در نقش پرورش انسان دانشمند باید دست بردارد و به پرورش انسان حکیم پردازد.

- استعداد حقیقی انسان خدا گونه شدن است، استعداد یابی به معنای تعیین شغل و یا مواردی از این دست نیست در واقع این موارد هدف نیست بلکه ابزاری در جهت خدا گونه شدن انسان است. تلاش برای قرار گیری انسان در مسیر استعداد اصلی او به تمام امور زندگی او مثلاً ازدواج - تعیین شغل - تعیین رشته تحصیلی نظم می بخشد و همه را خدا گونه می کند و از این طریق عدل در جامعه برپا می گردد.

- با توجه به اینکه خداوند نامتناهی است، رشد و تعالی هم نامتناهی است. بر طبق دیدگاه صدرا عدالت به معنای قرار گیری انسان در جایگاه حقیقی خویش نسبت بلکه به معنای قرار گیری انسان در مسیر خدا گونه شدن است.

- مفهوم ضمنی که در مفهوم عدالت وجود دارد حرکت است در واقع عدالت جویی یعنی قرار داشتن در وضعیتی نامطلوب که شایستگی مطلوب بودن را دارد و یا وضعیت مطلوب که به وضعیت مطلوب تبدیل گردد و برای این تغییر وضعیت حرکت احتیاج است پس عدالت جویی و عدالت خواهی حرکت را در پی دارد.

- نیاز محرک انسان برای حرکت است از آنجایی که هیچگاه انسان بی نیاز نمی شود و حرکت و رشد با هستی انسان در این جهان در هم تنیده است، بنابراین عدالت جویی جزئی از زندگی انسان ها است و مسیر عدالت جویی نوسانی است نه یک خط صاف، یعنی ابتدا نیازی وجود دارد که فرد حرکت می کند تا آن را تأمین کند و وقتی تأمین شد به حق خود رسیده است و عدالت برقرار گردیده است. اما دوباره نیازی دیگر مطرح می گردد و این روند ادامه دارد. در صورتی که این عدالت جویی در جهت خدا گونه شدن باشد، عدالت جویی در مسیر حقیقی خویش قرار می گیرد.

- نیازها تنظیم کننده حرکت انسان به سمت تعالی وجودی هستند و با تأمین هر کدام انسان به درستی در مسیر خدا گونه شدن

قرار می گیرد. بنابراین به منظور تحقق عدالت تأمین نیازهای اساسی اهمیت پیدا می کند.

- آنچه انسان را در مسیر خداگونه شدن قرار می دهد مدیریت نیازها و خواسته های انسان و تشخیص و پذیرش ارزش های حقیقی است و زمینه سازی برای تامین آنهاست.

- شناخت انسان و در نظر گرفتن ابعاد وجودی انسان هدایت گر به سمت پاسخگویی به نیاز های حقیقی انسان است. در حقیقت پاسخ به نیاز های انسان در ارتباط با خدا، ارتباط با هستی، ارتباط با مردم و در ارتباط با خود و تصحیح این ارتباط اهمیت دارد.

- تصحیح ارتباطات چهارگانه (خدا، خود، مردم، هستی) نیاز به ملاک و معیار دارد. به عبارت دیگر برای قرارگیری انسان در مسیر حقیقی خویش به معیار نیاز است. معیار مبتنی بر دستورات الهی (حق) است که با اشکال مختلف در دسترس انسان ها قرار گرفته است.

- نظام آموزش و پرورش از طریق آموزش نقش بسزایی در تصحیح ارتباطات چهارگانه دارد. آموزش خانواده به عنوان بخشی از آموزش در نظام تعلیم و تربیت با توجه به اینکه دوران کودکی اهمیت بسیاری دارد و اولین سازمانی که کودکان به آن وارد می شوند و به جهت گرایش عاطفی و زیستی کودکان به خانواده و مدت زمان بیشتری بودن در خانواده اهمیت بسیاری پیدا می کند.

- بر پایی عدل یا تحقق عدالت در جامعه با داشتن افرادی که دارای حکمت هستند، ممکن می گردد.

- زمینه لازم برای پرورش انسان عادل از طریق ساحت های سه گانه عدالت (تکوینی - تشریحی - جزائی) فراهم می گردد.

نتیجه گیری

با توجه به مفهوم عدالت به دست آمده طبق دیدگاه ملا صدرا که عدالت در دیدگاه ملا صدرا را عبارت از حرکتی مستمر، پیوسته و مشکک تا نفس، آنچه که صلاحیت و استعدادش را دارد، دریافت نماید و تجلی صفات الهی گردد. بنابر تعریف مذکور استعداد حقیقی انسان ها خداگونه شدن است که با فعلیت بخشی آن انسان در مسیر حقیقی خویش قرار می گیرد. با قرارگیری انسان در مسیر حقیقی خودش، هرچیز دیگری در جایگاه خودش قرار می گیرد. با توجه به اعتقاد ملا صدرا که اتصاف به حکمت، باعث می شود انسان به صفت عدل متصف

گردد، کسی هم که عادل باشد به حکمت دست می‌یابد. حکیم یعنی کسی که درست از غلط را تشخیص می‌دهد و تصمیم عادلانه می‌گیرد؛ چنین فردی در مسیر حقیقی خویش قرار گرفته و در تمام رفتارها، افکار و احساسات، خدا و حق را در نظر می‌گیرد و آنها را با معیار حق می‌سنجد. پذیرش چنین امری تمام زندگی فرد را در مسیر حقیقی خویش قرار می‌دهد و همه افعال زندگی فرد را رو به سوی اوایی می‌کند. شناخت انسان و در نظر گرفتن ابعاد وجودی انسان هدایت‌گر به سمت پاسخگویی به نیازهای حقیقی اش است. در حقیقت پاسخ به نیازهای انسان در ارتباط با خدا، ارتباط با هستی، ارتباط با مردم و در ارتباط با خود و تصحیح این ارتباط اهمیت دارد. تصحیح ارتباطات چهارگانه جز با نظام آموزش و پرورش که برنامه‌ای منسجم برای همه ابعاد وجودی انسان در نظر گرفته باشد، میسر نمی‌گردد. دیدگاه ملاصدرا همسو با دیدگاه‌های کلاسیک مانند افلاطون، ارسطو و در سنت اسلامی مانند فارابی، جامع‌نگر است. در این دیدگاه‌ها عدالت با ماهیت و سرشت انسان، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی و تعریف ویژگی‌های زندگی خوب مد نظر است. از جهت قابلیت عملیاتی بودن همسو با نظریات شکل گرفته در دوران متأخر است که در این دوران نظریه‌پردازی فلسفی در زمینه عدالت، به جنبه‌های خاص می‌پرداختند نتایج پژوهش با نتیجه پژوهش خلیلی (۱۴۰۰) همسو است. در هر دو پژوهش عدالت هر چند معانی متفاوتی دارد اما در اصل به معنای برابری و مساوات است ولی در دیدگاه ملا صدرا معیار برابری، حق است با در نظر گرفتن ظرفیت وجودی و تفاوت‌های فردی است. نتایج تحقیق با نتیجه تحقیق پیله و (۱۴۰۰) همسو است و هر دو به اثبات عدالت پرداختند فقط در دیدگاه ملا صدرا با توجه به مبانی فلسفی به بررسی مفهوم عدالت و اثبات عدالت پرداخته شد. نتیجه تحقیق حاضر همسو با نتیجه تحقیق حق‌گو و همکاران (۱۴۰۰) است که عدالت را یک مفهوم جهان‌شمول در نظر می‌گیرند و البته ملا صدرا با در نظر گرفتن این مفهوم و با تکیه بر وجوه مشترک میان همه انسان‌ها زمینه برای تحقق آن را هم در نظر داشته است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق چمن (۱۳۹۹) همسو است و هر دو عدالت را به معنی قرار دادن هر چیز در موضع حقیقی خویش می‌دانند. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق محمد هاشمی (۱۳۹۵) همسو است و هر دو به این نتیجه رسیدند که رعایت عدالت باعث دوام و قوام یک حکومت و جامعه می‌شود. پژوهش انجام گرفته با نتیجه پژوهش حاضر از نظر توجه به استعداد و ظرفیت افراد همسو با پژوهش

ترزی (۲۰۰۵) است. ترزی عدالت را با توجه معیار قابلیت در دانش آموزان با نیازهای ویژه در نظر دارد، ملا صدرا نیز ظرفیت وجودی فرد را در نظر می‌گیرد، اما ملا صدرا با مبانی فلسفی خود نظیر اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری به باز نمایی نیازهای انسان‌ها در تمام مقاطع سنی با توجه به ذات انسان می‌پردازد و علائق افراد را در پرتو مبانی فلسفی خود هدایت می‌نماید. دیدگاه ملا صدرا نسبت به عدالت، همسو با پژوهش آرتور و مری (۲۰۱۰) است که به این نتیجه رسیدند که آموزش عالی می‌تواند از طریق تعامل با اشکال پیچیده و مورد مناقشه دانش، به عدالت اجتماعی کمک کند؛ این در حالی است که ملا صدرا این ارتباط را دو سویه در نظر می‌گیرد؛ عدالت فردی به عدالت اجتماعی کمک می‌کند و همینطور عدالت اجتماعی زمینه ساز عدالت فردی می‌گردد.

ترن بال (۲۰۱۳) در رساله دکتری خود به این نتیجه رسیده است، با وجود تلاش مدیران برای ترویج عدالت اجتماعی در زمینه مدرسه و هم عوامل سیاسی و اقتصادی خارجی موفقیت آنها را به طور قابل توجهی محدود می‌کند؛ در حالی که در دیدگاه ملا صدرا عدالت تشریحی زمینه‌ساز تحقق عدالت است. پژوهش حاضر به لحاظ در نظر گرفتن عدالت اجتماعی به عنوان زمینه‌ای برای عدالت فردی همسو با پژوهش مولا (۲۰۱۹) است که عدالت اجتماعی را به عنوان تقویت آزادی فرصت برای دانش آموزان و خانواده‌های آنها و توسعه این آزادی‌ها اشاره دارد. پژوهش حاضر از نظر توجه به اندیشه مخاطب نسبت به مفهوم عدالت و درک عدالت هم جهت با پژوهش مارتین (۲۰۲۱) است که معتقد است هر اصل اخلاقی نیازمند توجه افکار عمومی می‌باشد. به طور کلی مزیت پژوهش صورت گرفته نسبت به تحقیقات معاصر این است که درباره مفهوم عدالت هم جامع‌نگر است و هم قابلیت عملیاتی شدن را داراست همین‌طور مباحث مطرح شده در زمینه عدالت هم به دو دسته کلی قابل تقسیم است: گروهی از این تحقیقات و مباحث ارائه شده، سعی در ارائه اصول کاربردی و عملیاتی داشته‌اند و از ریشه‌های عمیق فلسفی برخوردار نبوده‌اند و گروهی دیگر از این نظریه‌ها، استنتاج از نظریه‌های عدالت - عمدتاً نظریه‌های عدالت معاصر - بوده و نسبتاً به گروه اول از مبانی و اصول فلسفی قوی‌تر برخوردار بوده‌اند؛ اما قابلیت عملیاتی و کاربردی کردن آنها کمتر است. بررسی آثار ملا صدرا حکایت از جامع بودن دیدگاه ملا صدرا دارد. به سخن دیگر محتوای حاصل از دیدگاه ملا صدرا در زمینه عدالت، قابل قبول، جامع و به

لحاظ منطقی قابلیت عملیاتی شدن را دارد. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود متصدیان امر آموزش در کشور طراحی محتوای آموزشی مناسب با توجه به دیدگاه ملا صدرا، توجه به پرورش مربی و معلم، برنامه ریزی جهت پرورش افراد در تمام ابعاد وجودی به منظور پرورش انسان عادل در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور، توجه به ایجاد زمینه لازم برای پرورش انسان عادل از طریق ایجاد شرایط عادلانه، فرصت‌های عادلانه در نظام آموزش و پرورش کشور با در نظر گرفتن عدالت تکوینی، عدالت تشریحی و عدالت جزائی را در نظر داشته باشند. با توجه به این که خانواده و مدرسه دو نهادی هستند که متربی بیشترین زمان را در آنها سپری می کند و بیشترین تاثیرگذاری را در متربی دارد عادلانه بودن این دو نهاد در نظام آموزش و پرورش رسمی زمینه ساز اجرای عدالت در جامعه می گردد. با توجه نقش موثر خانواده برنامه ریزی جهت آموزش خانواده در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور صورت گیرد.

فهرست منابع

- ارسطو (۱۳۹۰)، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی، تهران: نشر طرح نو.
- افلاطون (۱۳۸۴)، دوره آثار افلاطون، ترجمه رضا کاویانی، محمد حسین لطفی، تهران: نشر خوارزمی.
- اکبریان، رضا (۱۳۸۸)، جایگاه انسان در حکمت متعالیه ملا صدرا، تهران: نشر علم.
- ایمانی، محمد تقی (۱۳۸۵)، روشها و فنون تدریس، انتشارات فرهنگ سبز.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان.
- بلوم، ویلیام تی (۱۳۷۳)، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین. تهران: آران.
- بهشتی، سعید؛ داوودی، محمد؛ بهشتی، محمد (۱۳۹۹)، فلسفه های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: نشر سمت.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۳)، مختصات فلسفی حرکت جوهری انسان در حکمت متعالیه و کاربردهای آن در شناسایی اصول حاکم بر تحول آموزش و پرورش، فصل نامه روانشناسی تربیتی، فروردین، دوره ۱۰ شماره ۳۱، ۸۱-۱۰۷.
- بیله ور، مرضیه (۱۴۰۰)، بررسی مفهوم عدالت از منظر آیات و روایات و اقوال و نظرات فقهای امامیه، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، انتشار آنلاین.
- تاک، ریچارد (۱۳۸۷)، اندیشه هایز، مترجم: حسین بشیریه، تهران: نشر طرح نو.

- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصل نامه علوم اجتماعی (علامه طباطبایی)، بهار، دوره ۲۱، شماره ۱۰۵، ۶۴-۱۳۸.
- خلیلی، محمد نادر (۱۴۰۰)، مفهوم عدالت، دو فصل نامه اقتصاد در آیین فقہ، بهار و تابستان، دوره ۱۰، شماره ۱، ۶۱-۱۰۲.
- چمن، صفا (۱۳۹۹)، معنا شناسی و معناپردازی مفهوم عدالت در نهج البلاغه، به راهنمایی: احمد زارع زردینی، دانشگاه مبد، پایان نامه کارشناسی ارشد، الهیات.
- حق گو، جواد؛ علی آبادی، میثم؛ جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی مفهوم عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی و نظریه نئوگراشی، فصل نامه پژوهش های معاصر انقلاب اسلامی، اسفند، دوره ۴، شماره ۱۱، ۱۶-۱۱۱.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۹۲)، تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز، تهران: نشر: زوار.
- خامنه ای، محمد (۱۳۹۱)، اخلاق متعالیه، تهران: بنیاد حکمت علمی صدرا.
- راد حسینی، علی اصغر (۱۳۹۱)، تشکیک صدرایی در صفات اخلاقی، فرهنگ پژوهش، فروردین، دوره ۵، شماره ۱۱، ۳۵-۱۱.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱)، مبداء و معاد، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۳)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، علی بابایی مترجم، تهران: نشر مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۴)، اسفار، ترجمه محمد خواجهی، ج ۱، تهران: نشر مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۴)، اسفار، ترجمه محمد خواجهی، ج ۷، تهران: نشر مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۰)، الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه، ج ۷، محمد خواجهی مترجم، تهران: نشر مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۲)، المظاهر الالهیه، مترجم: سید حمید طیبیان، تهران: موسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- طاهری ابوالقاسم (۱۳۹۳)، تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، تهران: نشر قومس.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۳۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دوره ی ۱۰ جلدی، قم: منشورات ذوی القربی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۰)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا سده های میانه)، تهران: وزارت امور خارجه.
- کرین، هانری (۱۳۸۱)، مقدمه بر المشاعر صدرالمتالهین شیرازی (ملا صدرا)، مترجمان: کریم مجتهدی، امامقلی بن محمد علی عمادالدوله، تهران: موسسه بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

- محمد هاشمی، نجمه (۱۳۹۵)، عدالت از دیدگاه خواجه نظام الملک طوسی باتاکید بر سیاستنامه، پایان نامه ارشد چاپ نشده، دانشگاه اراک.
- معین، محمد (۱۳۹۱)، فرهنگ معین، ج ۲، تهران نشر امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶) مجموعه آثار، ج ۱۸، قم: انتشارات صدرا.
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ مزینی، ناصر؛ (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، اندازه گیری تربیتی، دی، دوره ۴، شماره ۱۸۷، ۱۴-۲۲۲.
- نادری، محمد مهدی (۱۳۸۸)، درآمدی بر چیستی و ماهیت فلسفه سیاسی فارابی، فصلنامه مطالعات سیاسی. ۱۱۴- ۹۳، ۱(۴).
- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۸)، معراج السعاده، تهران: نشر جمال.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸)، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- Arthur & Janice, Mc & Mary (2010), Knowledge and social justice : re-considering critical pedagogy in higher education, Unpublished doctoral dissertation, Universit of lancaster.
- Brighouse ,H.(2007). Educational Justice and Socio- Economic Segregation in School. Journal of Philosophy of Education. 4 (4), 575-590.
- Martin ,C. (2021). R.S.Peters and Jurgen Habermas: presupposition of practical reason and educational justice. Educational theory. 59(10),76-85.
- Molla & Pham, Tebeje & Lien (2019), Editorial: Capital, capability and educational justice, policy Futures in Education, Vol.17(5)575-581.
- Terzi, Lorella (2005), Equality, capability and social justice in education : re-examining disability and special educational needs, , Unpublished doctoral dissertation, University of London.
- Turnbull, Margaret (2013), Education policy and social justice : the experience of South African school principals, Unpublished doctoral school principals, Unpublished doctoral dissertation, University of Lincoln.



